تحرکات کارگری در دوره‌ی دولت نهم

محمد مالجو سه شنبه سوم دی ۱۳۸۷

علیرغم این واقعیت که نارضایی اقتصادی کارگران به واسطه‌ی شرایط نامطلوب اقتصادی در دوره‌ی دولت نهم تشدید شده است، به نظر میرسد تحرکات کارگری پس از شروع کار دولت نهم رو به کاهش گذاشته باشد. چنین می نماید که اقشار کارگری در مواجهه با نارضایی های اقتصادی به طرزی روز افزون نه چندان به عمل جمعی در حوزه‌ی سیاست برای بهبود وضع جمعی شان بلکه عمدتاً به تلاش فردی درحوزه‌ی اقتصادی و افزایش درآمدهای شخصی خویش برای بهبود وضع شخصی خودشان روی می آورند. آنچه درسالهای پیش ازظهور دولت نهم به نحوی ازانحا نوعی جنبش رو به رشد کارگری جلوه میکرد در دوره‌ی دولت نهم تا حدی رو به ضعف گذاشته است. اگر این برداشت را ملاک قرار دهیم، پرسشی که پیش می آید این است که چگونه میتوان کاهش تحرکات کارگری در دوره‌ی دولت نهم را علیرغم افزایش نارضایی های اقتصادی کارگران توضیح داد.

کاهش تحرکات کارگری در دوره‌ی دولت نهم به معنای دگرگونی در نحوه‌ی انتخاب کارگران میان عمل دسته‌جمعی در حوزه‌ی سیاست از سویی و عمل فردی در حوزه‌ی اقتصاد از سوی دیگر است. اصولاً تغییر در نحوه‌ی انتخابی که افراد در هر زمینه به عمل می آورند یا تحت تأثیر دگرگونی در رجحان هایشان است یا تحت تأثیر دگرگونی در امکانات شان. به این اعتبار، دگرگونی در نحوه‌ی انتخاب کارگران میان عمل دستجمعی و عمل فردی را باید یا در تغییر رجحان هایشان جست یا در تغییر امکانات شان یا در هر دو. علل تغییر در رجحان های کارگران را باید عمدتاً در حوزه‌ی روانشناسی اجتماعی پی گرفت و علل تغییر در امکانات کارگران را عمدتاً در حوزه‌ی سیاست.

درست است که کاهش تحرکات کارگری در دوره‌ی دولت نهم تا حدی به علت سرخوردگی کارگران از مشارکت در عرصه های رسمی و غیررسمی سیاست و دگرگونی متعاقب در نوع تحرکات کارگری موردپسند کارگران بوده است، اما سرخوردگی کارگران و دگرگونی متعاقب دررجحان هایشان به نوبه‌ی خود تا حد زیادی معلول دگرگونی در امکانات سیاسی کارگران برای انواع مشارکت های سیاسی در عرصه های رسمی و غیررسمی سیاست است. در حقیقت، عمدتاً کاهش امکانات سیاسی برای عمل دسته جمعی کارگران در حوزه‌ی سیاست است که کاهش تحرکات کارگری دردوره‌ی دولت نهم را توضیح میدهد. به نظرمیرسدعوامل مؤثربرامکانات سیاسی کارگران برای عمل

دستجمعی هنوز تئوریزه نشده باشد، اما ازرهگذر تأمل دربرخی رویدادهای سالهای اخیر میتوان سه سطح ازعوامل را شناسایی کرد که به کاهش امکانات سیاسی کارگران برای تحرکات کارگری انجامیده است.

در اولین سطح، خلأ قدرتی که ناشی از شکاف میان طبقه‌ی سیاسی حاکمه در دوران اصلاحات شکل گرفته بود و فضایی که از همین رهگذر برای برخی فعالیتهای اعتراض آمیز فراهم شده بود با سلسله پیروزیهای انتخاباتی اصولگرایان آهسته- آهسته از میان رفت. کمرنگ ترشدن خلأ قدرت از عواملی بود که به کاهش امکان استفاده از فضای عمومیِ مشترک درخیابان برای اعتراضات کارگری انجامید، عاملی که یکی از مهمترین مؤلفه های اثرگذار بر امکانات سیاسی برای تحرکات کارگری است. این کاهش فضای عمومی مشترک برای تحرکات کارگری که از ابتدای دهه‌ی هشتاد در دوران اصلاحات شروع شده بود در دوره‌ی دولت نهم حتی شدت نیز پیدا کرده است. بااینحال، برخی وقت ها نیز که به هر دلیل فضای عمومیِ مشترک برای تحرکات کارگری فراهم میشود، عامل دیگری هست که مانع از شکل گیری امکانات سیاسی میشود: سرکوب فعالان کلیدی به دست نیروهای انتظامی و امنیتی. این جاست که به دومین سطح از عوامل مؤثر بر امکانات سیاسی کارگران برای تحرکات کارگری میرسیم .

در سطح مناسبات قدرت درون طبقه‌ی سیاسی حاکم به نظر میرسد عزم برای سرکوب فعالان کارگری حتی‌الامکان جزم بوده باشد وازاینرو سازماندهی تحرکات کارگری برای سازماندهندگان به تحمل هزینه های گزاف انجامیده است. عزم حکومت در سرکوب فعالان کلیدی درراه اندازی سندیکای کارگری وسازماندهیِ تحرکات کارگری در واقع یکی ازمهمترین عواملِ فقدان فرصتهای سیاسی برای تحرکات کارگری است که شاید بیش ازهرجا درسرکوب گسترده‌ی تحرکات رانندگان و کارگران شرکت واحد از سال ۱۳۸٤ تاکنون جلوه کرده باشد.

مهمترین دلیل قانونی ای که مسئولان برای ممانعت ازراه اندازی و فعالیت سندیکای کارگران و رانندگان شرکت واحد ارائه کرده اند در قانون کار فعلیِ ایران ریشه دارد. مطابق با این قانون، چنانچه در یک واحد کارگری از پیش شورای اسلامی کار تأسیس شده باشد، راه اندازی هیچ نوع شورای مستقل کارگری مجاز نیست. قانون کار فعلی همواره به این دلیل با مخالفت فعالان کارگری مواجه بوده است که به کارگران اصلاً اجازه‌ی تأسیس شوراهای مستقل کارگری را نمیدهد. پیش نویس اصلاح برخی از مواد قانون کارکه در وزارت کارو امور اجتماعیِ دولت نهم پیشنهاد شده است کماکان هیچ نوع چشم اندازی برای تغییرچنین وضعیتی فراهم نمی کند. از همین جاست که به سومین سطح از عوامل اثرگذار بر بر امکانات سیاسی کارگران برای تحرکات کارگری میرسیم .

در سطح قوانین حاکم بر تشکل های کارگری نه قانون کار فعلی به تأسیس و فعالیت تشکل های مستقل کارگری اجازه میدهد و نه پیش نویس اصلاح برخی ازمواد قانون کار فعلی که دردولت نهم پیشنهاد شده است. درچارچوب پیشنویس اصلاح برخی از مواد قانون کار، جرح و تعدیل های به عمل آمده در مواد ۲۱ و ۲۷ امکانِ اخراج شتابان را به کارفرمایان داده است، اما تغییراتی که درفصل ششم قانون کارپیشنهاد شده کماکان کارگران را ازحق داشتن تشکلهای مستقلْ محروم نگه داشته است. به نظر میرسد پیشنویس پیشنهادی وزارت کار و امور اجتماعیِ دولت نهم برای کارگران یک جوربازیِ دوسرباخت باشد: کارفرمایانی برخوردارازامکانِ اخراج شتابان، کارگرانی کماکان نابرخوردارازحق تأسیس و اداره‌ی تشکل های کارگری مستقل. به این اعتبارنه در قانون کار فعلی و نه در پیشنویسی که دولت نهم برای اصلاحات در این قانون پیشنهاد داده است کماکان به لحاظ قانونی هیچ جایی برای فعالیت تشکلهای

مستقل کارگری وجود ندارد. ازاینرو تحرکات کارگری درچارچوب تشکلهای مستقل کارگری به لحاظ قانونی میسر نیست.

آن قدر که به سه عامل مؤثر پیش گفته باز می گردد، روزنه های امید برای افزایش تحرکات کارگری را نیز باید در همین میان جستجو کرد. فعلاً به تغییرات قانونی برای به رسمیت شناختن فعالیت تشکلهای مستقل نمیتوان چندان امیدی بست. همچنین شدت عزم حکومت درسرکوب فعالان کارگری ازتصمیمات سیاسی درسطوح گوناگون تصمیم-گیری تبعیت می کند که پیشاپیش نمیتوان از برآیندشان چیزی گفت. اما بالاگرفتن جنگ قدرت درون طبقه‌ی سیاسی حاکم، این بار میان خود جبهه‌ی اصول گرایان، چه بسا دوباره خلأ قدرتی را درون عرصه‌ی سیاست پدید بیاورد که نیروی محرکه‌ی تحرکات کارگری شود. پرسش اصلی میان کارگران ایرانی باید این باشد که چگونه میتوان این عوامل ساختاری را که تعیین کننده‌ی میزان امکانات سیاسی شان است به نفع گسترش تحرکات کارگری دگرگون کرد. اگرزمینه های گسترش امکانات سیاسی برای تحرکات کارگری فراهم شود، سرخوردگی کارگران از فعالیت های دستجمعی به منزله‌ی نوعی معلول به‌سرعت از میان خواهد رفت. مسأله نه سرخوردگی بلکه امکانات سیاسی است که به نوبه‌ی خود در گرو شناسایی شیوه های گسترش مشارکت سیاسی کارگران در عرصه های رسمی و غیررسمی سیاست است.

محمد مالجو

۱۳۸۷/۰۹/۲۹

منبع: سایت تحلیلی البرز

http://www.alborznet.ir/fa/default.aspx